



# جایگاه مرکز شهر در نظریه‌های ساخت شهر و برنامه‌ریزی شهری

○ خدر فرج کرده

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری  
دانشگاه تربیت مدرس

## ● مقدمه

جایگاه معبد، بازار، کاخ دادگستری و آکادمی است ( مامفورد، ۱۳۸۵: ۲۱). مامفورد اندیشمند بزرگ به درستی اشاره می‌کند که شهر محل تمرکز قدرت و فرهنگ و جایگاه روابط منسجم اجتماعی و در واقع نمود تمدن بشری است. آنچه را که مامفورد به آن اشاره می‌کند به‌راستی که در شهر وجود دارد و بویژه بخش‌هایی از شهر آن را به صورت واقعی نمایان می‌سازد؛ آن بخش از شهر که مرکز شهر نام دارد و

در روند تکامل فرهنگ انسان، شهر پیچیده‌ترین فضای ساخته بشر است. شهر در معنای تاریخی خود، نقطه‌ای است که در آن حداکثر تمرکز قدرت و فرهنگ یک اجتماع متبلور می‌شود. شهر جایی است که پرتوهای مجزای حیات با دست مایه‌هایی از اعتبار و کارآمدی اجتماعی در آن متمرکز می‌شود. شهر شکل و نشانه روابط منسجم اجتماعی و



تجلی‌گاه قدرت، روابط اجتماعی، سیاست، اقتصاد، تکنولوژی، پتانسیل‌ها و مشکلات شهر است.

بخش مرکزی شهر واقعیتی عینی در فضای شهری است که فرآیندهای پنهان شهری را نمایان می‌سازد. مرکز شهر دارای اهمیتی آن‌چنان در فضای شهر است که اگر نه در همه، اما در بیشتر مباحث شهری به نوعی به آن اشاره می‌شود و جایگاه آن در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و کالبدی- فضایی شهر کاملاً مشهود است.

در این مقاله بنا به اهمیت مرکز شهر ضمن مرور جایگاه بخش مرکزی در نظریه‌های ساخت شهر، به بررسی اهمیت آن در برنامه‌ریزی شهری پرداخته می‌شود.

\*\*\*

## ● مرکز شهرها در نظریه‌های ساخت شهر و اندیشه شهرسازان

ساختار شهرها در نظریه‌های ساخت شهر از شهرهایی با ساختار دارای بخش مرکزی که دارای تراکم و تمرکز بالایی از فعالیت‌ها است تا شهرهایی با ساختار بدون کانون تمرکز که در آن فعالیت‌ها در سطح شهر به صورتی یکسان پراکنده شده‌اند، متغیر است.

در واقع مرکز شهر در طرح‌های شهرسازی و نظریه‌های ساخت شهر جایگاه مهمی دارد و در بیشتر موارد شهرسازان ساختار کلی یک طرح شهری را در ارتباط بین مرکز و سایر بخش‌های شهر جستجو کرده‌اند. مرکز شهر چه در شکل‌گیری و رشد ارگانیک شهر و چه در رشد برنامه‌ریزی شده و از پیش تعیین شده شهر نقش بارزی را در ساختار فضایی شهر و شکل‌دهی به فرم شهر ایفا کرده است. در ساختار ارگانیک شهر، شکل‌گیری شهر از یک هسته و مرکز اولیه شروع می‌شود و در طول زمان در جهاتی که امکان گسترش آن را فراهم می‌آورند، رشد می‌کند. هسته و مرکز اولیه شهر بنا به مقتضیات زمان مهم‌ترین کارکردها و فعالیت‌های شهری را در خود جای می‌دهد و در صورت داشتن شرایط مناسب به مرکز اصلی شهر و کانون فعالیت آن تبدیل می‌شود. در رشد ارگانیک شهر، شهر بنا به هر دلیلی اعم از دفاعی، داد و ستد، موقعیت طبیعی، مذهبی و ... ساخته شده باشد، مرکز شهر جایگاه خود را داشته است.

در ساختار شهر برنامه‌ریزی شده به گونه‌ای دیگر است. در شهرهایی با ساختار برنامه‌ریزی شده، مرکز شهر در آن با هدفی از پیش تعیین شده و با طراحی آن برای کارکردهای مشخصی شکل می‌گیرد. برای مثال «بترزها وارد» در طرح شهرهای باغ مانند خود، شهرها

را به صورت چند دایره متحدالمرکز تصویر کرد. بناهای عمومی شهر در مرکز این دایره دور میدانی قرار گرفتند (شبیعه، ۱۳۸۱: ۳۵). در طرح باغشهر هاوارد بخش مرکزی با در بر گرفتن آموزشگاه‌ها و مراکز خرید و مجاورت آن با پارک‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد.

«هوسمان» (۱۸۰۹-۱۸۹۱) در اندیشه خود که آن را در شهر پاریس عملی کرد، توجه خود را به مراکز مهم و قدیمی می‌دول کرد و در نوسازی شهر پاریس برای ایجاد دسترسی‌های مناسب به تعریض گذرها و ایجاد فضاهای جدید در این شهر اقدام کرد و مراکز مهم و قدیمی را به کانون‌هایی تبدیل کرد (پاپلی‌یزدی و رجبی‌سنجریدی، ۱۳۸۲: ۷۲). در طرح وی با ایجاد شبکه‌ها و خیابان‌هایی از هسته قرون وسطی پاریس، مراکز شهری را به ایستگاه راه آهن متصل کرد.

در طرح شهر صنعتی "تونی گارنیه" سه عنصر اصلی در مرکز شهر قرار می‌گیرند که عبارتند از خدمات اداری و تالارهای اجتماعات، نمایشگاه‌ها و مجموعه‌های نمایشی و تاسیسات ورزشی و تفریحی (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۰: ۸۰). در این طرح کارکرد اداری و اجتماعی- فرهنگی مرکز شهر نسبت به سایر کارکردهای آن بارزتر است.

در طرح شهر خطی "سوریا ماتا" (۱۹۲۰-۱۸۴۴) شکل شهر، نوع مشاغل و نقش خیابان‌ها با دور شدن از مرکز طرح خطی که شهر بر اساس آن بنا شده، تغییر می‌یابد (شبیعه، ۱۳۸۱: ۷۳). در واقع سوریا ماتا خیابان مرکزی را جایگزین هسته مرکزی می‌کند (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۰: ۸۱). در طرح شهر خطی با گسترش شهر در مسیر توسعه خطی شهر، مراکز فرعی شکل می‌گیرند و از این طریق دور بودن قسمت‌های جدید شهر از مرکز اصلی جبران می‌شود.

در طرح توسعه عمودی "لوکوربوزیه" بخش مرکزی شهر پاسخگوی مناسبی برای تراکم ترافیک شهر به حساب می‌آید (شبیعه، ۱۳۸۱: ۵۴). لوکوربوزیه نگرشی مدرنیستی به شهرها داشت. در دیدگاه وی شهر اساساً یک مرکز تجاری محسوب می‌شود که باید نقش‌ها و عملکردهای خود را در فضایی متراکم ایفا کند. در طرح وی همچنین خطوط راه آهن در نظر گرفته شده برای شهر به ایستگاه مرکزی در قلب شهر منتهی می‌شود (شبیعه، ۱۳۸۱: ۵۴). قرارگیری ساختمان‌های اداری چند طبقه، فروشگاه‌ها و مغازه‌ها در اطراف ایستگاه مرکزی، نوعی مرکزیت به شدت متراکم را به وجود می‌آورد. لوکوربوزیه همچنین در طرح خود به آینده مرکز شهر نیز توجه داشته است و برای توسعه آتی آن زمین‌های ذخیره شده‌ای را به صورت پارک در اطراف بخش مرکزی پیشنهاد می‌دهد.

اهمیت بخش مرکزی به آن حد است که حتی



اطراف شهر ( همانند شهرک‌ها و روستاهای اطراف) در داخل مرزهای شهر قرار می‌گیرند و این سکونتگاه‌ها به عنوان هسته‌های جدید شهر بزرگ ایفای نقش می‌کنند. حمل و نقل و ارتباطات درون شهری در شکل‌گیری چنین ساخت شهری نقش مهمی دارد.

در نظریه ساخت عمومی شهرهای «رابرت دیکنسن»، محدوده‌های ساخت شهر از چهار منطقه مرکزی، میانی، بیرونی و حاشیه شهر یا مرزهای ده‌شهر تشکیل می‌شود. در این نظریه منطقه مرکزی شامل بخش قدیمی شهر



که مجموعه‌ای از مراکز عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تجاری و اداری و بخشی از واحدهای مسکونی است (پاپلی‌یزدی و سناجردی، ۱۳۸۲:۹۴). بر اساس این نظریه منطقه مرکزی حداکثر تراکم از لحاظ جا و فضا مشاهده می‌شود، زیرا مرکز اصلی شبکه‌های وسایل ارتباطی است و انواع مختلفی از فعالیت‌های مربوط به بخش خدمات، هنگام انتخاب محل در منطقه مرکزی به شدت با هم رقابت می‌کنند. با اشغال عمودی و افقی و جانبی ساختمان‌ها منطقه مرکزی گسترش می‌یابد و باعث تراکم ترافیک می‌شود (شکوئی، ۱۳۷۹:۵۲۷).

در نظریه ساخت قطاعی شهر «همرهویت» که متأثر از نظریه ارنست برگس بود گسترش شهرها در شکل شعاعی از مرکز شهر آغاز می‌شود و در طول راه‌های اصلی پیش می‌رود (شکوئی، ۱۳۷۹:۵۱۳). در این نظریه بنا بر موقعیتی که هسته اولیه شهر در آن قرار گرفته است، شهر شروع به گسترش و رشد می‌کند. راه‌های شعاعی که از مرکز شهر به اطراف کشیده می‌شود، عامل مهمی در تعیین قیمت زمین‌های شهری است.

بررسی همین تعداد از اندیشه شهرسازان نشان می‌دهد که بخش مرکزی جایگاه خاصی داشته و کمتر محقق مسائل شهری است که نسبت به مسائل بخش مرکزی و جایگاه آن در ساختار اقتصادی، اجتماعی، فضایی-کالبدی و در کل در ساختار عملکردی شهر بی‌توجه بوده باشد.

«فرانک لویدرایت» در طرح شهر پهنشدنی که فاقد تراکم و انسجام شهرهای متعارف است، مرکز شهر را فراموش نکرد. در این طرح مرکز شهر در ناحیه وسیعی گسترده شده و شامل یک ساختمان اداری ۵۰ طبقه، یک پارک، زمین‌های ورزشی، باغ‌وحش و آکواریوم است (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۰:۸۱).

در نظریه ساختار شهری جهان سومی ارنست گریفتن و لر فورد که با مطالعه ساختار شهری در آمریکای لاتین اظهار شده است؛ قلب هر شهر از یک CBD فعال و در حال رشد تشکیل شده است. از مرکز شهر به سوی خارج شهر یک هسته تجاری-صنعتی که به وسیله قطاع مسکونی طبقه نخبگان احاطه شده، قرار دارد. این قطاع هسته‌ای در واقع گسترشی از CBD است که به وسیله ادارت، مغازه‌ها، مسکن‌گزینی با کیفیت بالا، رستوران‌ها، تئاترها، پارک‌ها، باغ‌وحش‌ها و میدان‌های گلف اشغال شده است و در نهایت به حومه‌های ثروتمندترین ختم می‌شود (پاپلی‌یزدی و سناجردی، ۱۳۸۲:۱۰۵).

در نظریه دوایر متحدالمرکز «ارنست برگس» که پایه و اساس اکولوژیکی داشت شهر به صورت دوایر متحدالمرکز گسترش می‌یابد. بر اساس این نظریه فعال‌ترین کانون شهر در دایره اول واقع می‌شود و منجر به شکل‌گیری بخش مرکزی می‌شود. در مرکز شهر به علت دسترسی مناسب، بخش تجارت مرکزی استقرار می‌یابد که بیشترین تمرکز فعالیت‌های بانکداری، بازرگانی، موسسات مالی و ... در آن یافت می‌شود. قیمت بالای زمین موجب می‌شود که از آن به اقتصادی‌ترین نحو ممکن استفاده شود که نتیجه آن شکل‌گیری آسمان‌خراش‌ها و ساختمان‌های بلند در این بخش است (شکوئی، ۱۳۷۹: ۵۰۹-۵۱۲). پاپلی‌یزدی و سناجردی، ۱۳۸۲:۷۳ در این نظریه منطقه مرکزی، منطقه‌ای بسیار با ثبات است (فکوئی، ۱۳۸۳:۱۸۷).

در ساختار چند هسته‌ای «ادوارد اولمن» و «چانسی هاریس» با توجه به بزرگ یا کوچک بودن شهر بخش مرکزی تعیین می‌شود. اساس این تئوری بر این اصل قرار دارد که شهرهای کوچک تنها دارای یک مرکز و یا هسته واحد باشند. اما شهرهای بزرگ امروزی همگی دارای هسته‌های متعدد هستند که در داخل شهرها، ارتباط مسیرهای حمل و نقل تشکیل این هسته‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد (شیعه، ۱۳۸۱:۶۴). در این نظریه بخش مرکزی شهرها با امکانات وسیع حمل و نقل، هسته و مرکزی را تشکیل می‌دهد که در آن اداره‌ها، خرده‌فروشی‌ها، بانک‌ها، بیمه، تئاتر و نمایش فعال‌ترین نقش را دارند (شکوئی، ۱۳۷۹:۵۲۱). شکل‌گیری شهر چند هسته بر مبنای این نظریه با رشد و گسترش شهر امکان‌پذیر می‌شود. همزمان با گسترش شهر، سکونتگاه‌های



نظریه پرداز	الگوی توسعه شهری	جایگاه و ویژگی‌های اصلی مرکز شهر
ابنزر هاوارد	باغ شهر (غیر متمرکز)	بخش مرکزی در دایره اول قرار می‌گیرد. بناهای عمومی شهر، آموزشگاه‌ها و مراکز خرید در بخش مرکزی قرار دارند. در مجاورت بخش مرکزی پارک‌ها قرار می‌گیرند.
ژرژ اوزن هوسمان	نوسازی بخشهای درونی و قدیمی شهر	تاکید اصلی روی مراکز مهم و قدیمی است. تبدیل مراکز مهم و قدیمی به کانون‌های فعالیت، اتصال مراکز شهر به ایستگاه راه آهن
تونی گارنیه	شهر صنعتی (غیر متمرکز)	بخش مرکزی شامل خدمات اداری، تالارهای اجتماعی، نمایشگاه‌ها و مجموعه‌های نمایشی است. کارکرد اداری و اجتماعی مرکز شهر بر سایر کارکردهای آن غلبه دارد.
سوریا ماتا	توسعه خطی شهر (غیر متمرکز)	بخش مرکزی به صورت خیابان مرکزی است. فعالیت‌های مهم در خیابان اصلی متمرکز می‌شوند. در مسیر توسعه خطی شهر مراکز فرعی شکل می‌گیرند.
لوکوربوزیه	توسعه عمودی شهر (متمرکز)	ساختمان‌های اداری و عمومی چندطبقه، فروشگاه‌ها و مغازه‌ها در اطراف ایستگاه مرکزی قرار می‌گیرند. همه خطوط راه آهن به بخش مرکزی شهر منتهی می‌شوند. در اطراف بخش مرکزی زمین‌هایی به صورت پارک جهت توسعه بعدی آن در نظر گرفته می‌شود.
فرانک لوید رایت	شهر پهندستی (غیر متمرکز)	بخش مرکزی ناحیه‌ای وسیع را در بر می‌گیرد و شامل یک ساختمان اداری ۵۰ طبقه، پارک زمین‌های ورزشی، باغ وحش آکواریوم است.
ارنست گریفتن و لرفورد	ساختار شهر جهان سومی (متمرکز)	بخش مرکزی شامل یک CBD فعال و در حال رشد است. در اطراف این CBD ادارات، مغازه‌ها، رستوران‌ها، تئاترها، پارک‌ها، باغ وحش و میدان‌های گلف قرار دارند.
ارنست برگس	دوایر متحدالمرکز (متمرکز)	دایره اول (بخش مرکزی شهر) فعال‌ترین کانون شهر است. به واسطه دسترسی مناسب بیشترین تمرکز فعالیت‌های بانکداری، بازرگانی و موسسات مالی در بخش مرکزی قرار می‌گیرند. بخش مرکزی با آسمان‌خراش‌ها و ساختمان‌های بلند خود را نمایان می‌سازد.
جانسی هاریس و ادوارد اولمن	ساختار چند هسته‌ای	بخش مرکزی متناسب با اندازه شهر شکل می‌گیرد (شهرهای کوچک تک‌مرکزی و شهرهای بزرگ چندمرکزی). بخش مرکزی شامل امکانات وسیع حمل و نقل، فعالیت ادارات، خرده‌فروشی‌ها، بانک‌ها، بیمه، تئاتر و نمایش است.
رابرد دیکنسن	ساخت عمومی شهرها	بخش مرکزی شامل بخش قدیمی شهر است. بخش مرکزی شامل مراکز عمده و خرده‌فروشی، تجاری، اداری، بخشی از واحدهای مسکونی و انواع مختلفی از فعالیت‌های مربوط به بخش خدمات است. کانون اصلی شبکه‌های ارتباطی در مرکز شهر قرار دارد.
همر هویت	ساخت قطاعی شهر	راه‌های شعاعی از مرکز شهر به اطراف کشیده می‌شوند و جهات توسعه شهر را تعیین می‌کنند. بخش مرکزی در قالب بخش مرکزی تجارت خود را نمایان می‌سازد.

### جدول ۱ - جایگاه مرکز شهر در تعدادی از نظریات مهم ساختار شهری

مکانی جاذب برای بسیاری از کارکردهای شهری عمل می‌کند. جایگاه مرکز شهر و ویژگی‌های آن از نظر تعدادی از مهمترین نظریه‌های ساخت شهر به طور خلاصه در جدول ۱ نشان داده شده است.

#### • اهمیت و جایگاه مرکز شهر در برنامه‌ریزی شهری

اگر یکی از اهداف مهم برنامه‌ریزی شهری را حل

هر چند که اخیراً به واسطه پیشرفت سریع تکنولوژیکی در حمل و نقل و ارتباطات از راه دور نیاز به تمرکز بسیار بالای ادارات و فعالیت‌ها را در موارد بسیاری غیرضروری ساخته است (Wong, ۲۰۰۳:۳۴). اما بخش مرکزی شهرها همچنان موقعیت خود را حفظ کرده است. تلاش برای احیاء مراکز شهری که امروزه در بسیاری از شهرها دنبال می‌شود، گواه بر این امر است که باوجود اینکه پیشرفت‌های تکنولوژیکی نیاز به تمرکز را در سطح زیادی پایین آورده است، مرکز شهر همچنان به عنوان



برنامه‌ای برای مرکز شهر قبل از هر چیز مستلزم تعیین جایگاه آن در فضای شهری است.

حفاظت، انتقال یا نوسازی و پالایش سه راهبرد عمده رایج در برخورد با مرکز شهر در جوامع مختلف و تجارب موجود به شمار می‌آیند. هر یک از این راهبردها متکی بر برخی اولویت‌ها و چالش‌های فراروی است (کاظمیان، ۱۳۸۰: ۱۵). متناسب با شرایط و اوضاع و ویژگی‌های خاص هر شهر هر کدام از این راهبردها می‌تواند مؤثر واقع شود. در واقع اتخاذ هر کدام از این راهبردها باید مبتنی بر این امر باشد که در صورت اتخاذ هر کدام از آنها برای برخورد با مسائل مرکز شهر، نتایج



مثبت و منفی آن برای مرکز شهر و به تبع آن برای کل فضای شهری و ساکنان آن به چه میزان خواهد بود. برای مثال در حالی که در شهرهای بزرگ بسیاری از فعالیت‌ها و کارکردهای بخش مرکزی تحت تأثیر عوامل متعدد مانند تغییر مقیاس فعالیت و تحول در سیستم حمل و نقل و ارتباطات به مکان‌یابی در بخش‌های دیگر شهر و یا حتی خارج از شهر گرایش یافته‌اند و به تدریج در جوار فرودگاه‌ها و اتوبان‌ها استقرار می‌یابند در شهرهای کوچک و متوسط بر خلاف شهرهای بزرگ انتقال موسسات تجاری و خدماتی از مرکز شهر مسائل جدیدی در سطح شهر پدید می‌آورد و با تقلیل ارزش اقتصادی منطقه مرکز شهر، زمینه‌ای مناسب برای فرسودگی و تباهی بافت فراهم می‌آورد (سعیدنیا، ۱۳۸۲: ۳۴). این امر حاکی از آن است که بخش مرکزی در سطوح مختلف شهری و با توجه به سطح توسعه و مقیاس فعالیت متغیر است و نمی‌توان تنها با یک دیدگاه به آن نگریست و اتخاذ راهبردهای مختلف باید با توجه به نوع مسأله‌ای که بخش مرکزی شهر ممکن است با آن روبه‌رو باشد، صورت بگیرد.

مسأله و مشکل بدانیم برنامه‌ریزی شهری باید قبل از هر چیز توجه خود را به مرکز شهر معطوف کند. سامان‌دهی و اداره بخش مرکزی شهر امری پیچیده و دشوار است، چرا که بخش مرکزی شهر خود ماهیتی پیچیده دارد. پیچیدگی آن ناشی از قرارگیری و تمرکز فعالیت‌های گوناگون در کنار هم و در ارتباط بلافصل با هم و در فضایی نسبتاً محدود است. در صورت نداشتن برنامه‌ریزی منسجم و نبود نگرشی جامع و همه‌جانبه به بخش مرکزی شهر این بخش از شهر با چالش‌های اساسی مواجه شده و منجر به ناکارآمدی آن می‌شود. بدون شک مرکز شهر مشکلات و تنگناها و در عین حال پتانسیل‌ها و توانایی‌های خاص خود را دارد و همین امر مستلزم نگرش‌های خاص برنامه‌ریزی و مدیریتی به آن می‌شود. برای حل بسیاری از مشکلات و تنگنایی که بخش مرکزی بسیاری از شهرها با آن مواجهند و همچنین دستیابی به تعادل مناسب بین کاربری‌های مختلف و جلوگیری از غلبه یافتن کارکردهای خاص و تخصصی شدن بیش از حد در بعضی از کارکردها به ناچار باید بخش مرکزی شهردر کانون توجه برنامه‌ریزان شهری قرار گیرد و در راستای کارآمد کردن هر چه بیشتر آن عمل شود.

امروزه در کشورهای در حال توسعه مراکز شهرها مکان‌هایی هستند که افراد فقیر در آن زندگی می‌کنند به این دلیل که راه‌های امرار معاش آنها در مرکز شهر پایدارتر است. نزدیکی به مکان‌های بازاری و دسترسی به طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های غیررسمی جزء ضروری استراتژی‌های بقای آنها به‌ویژه کودکان و زنان غیر ماهر است (Razzu, ۲۰۰۵: ۴۰). این امر منجر به بروز مشکلات اجتماعی در بخش مرکزی شهر می‌شود، جایی که ممکن است در آن آسیب‌های اجتماعی در سطح بالایی بروز کند و بر اصالت و هویت واقعی و عینی آن لطمه وارد سازد.

چنین مسأله‌ای باعث شده است که امروزه برنامه‌ریزی و ساماندهی مرکز شهر به مسأله‌ای مهم در برنامه‌ریزی شهری و در عین حال به مشکل‌ترین و حساس‌ترین بخش برنامه‌ریزی شهری تبدیل شود و نظر برنامه‌ریزان و محققان امور شهری را به خود جلب کند و از این رهگذر برنامه‌ریزی‌های مختلفی برای احیاء دوباره مراکز شهری صورت گرفته است چرا که تقویت عملکرد بخش مرکزی شهر و کارایی هر چه بیشتر آن هدفی است که مدیران شهری به دنبال رسیدن به آن هستند و این هدف جز از طریق برنامه‌ریزی یکپارچه و برقراری ارتباط بین مجموعه نظام برنامه‌ریزی و مجموعه مدیریت شهری امکان‌پذیر نیست. تلاش برای ارائه هر گونه طرح و



در پایان این بحث باید گفت که برنامه‌ریزی اعم از برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی، ترافیکی و فیزیکی در بخش مرکزی در سطوح مختلف شهری اعم از شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک باید برای کارآمد ساختن بخش مرکزی، کاستن از مشکلات آن، تعیین جایگاه مناسب برای آن در فضای شهر، ادامه حیات اقتصادی و حفظ هویت اجتماعی، فرهنگی و تاریخی آن صورت بگیرد و نگرش برنامه‌ریزی شهری به بخش مرکزی باید چند وجهی و به دور از تک بعدی نگرستن مسائل آن باشد. این امر چه در راستای انتقال و یا نوسازی مرکز شهر، چه در راستای حفاظت و چه در پالایش آن، مستلزم شناخت قانونمندی‌ها و نیروهای حاکم و تاثیر گذار بر مرکز شهر و جهت‌دهی به این قانونمندی‌ها و نیروها در راستای کارایی بخشیدن به آن است.

جذب جمعیت از فواصل زیاد و فراتر از فضای شهری به آن می‌شود.

نظریات ساخت شهر به شکل عمده بر ساختار فضایی و روابط اجزاء و عناصر سیستم شهری استوار بوده‌اند. در این میان هر کدام از نظریات ساخت شهر به نحوی به جایگاه بخش مرکزی در شهر توجه کرده و برای آن کارکردهایی قائل شده‌اند. در بیشتر نظریات ساخت شهر، بخش مرکزی دارای کارکردها و فعالیت‌های برتر در سطح شهر و فضای تحت نفوذ آن است و بر این اساس موقعیت آن در فضای شهری نمایان است.

بخش مرکزی شهر به واسطه در بر گرفتن طیف وسیعی از فعالیت‌های متنوع و نیز تمرکز و تراکم زیاد فعالیت‌ها در آن دارای مسائل و مشکلات خاص خود است که همین مساله باعث شده است، بخش زیادی از مباحث برنامه‌ریزی شهری را به خود اختصاص دهد. حل مسائل و مشکلات مرکز شهر مستلزم نگرش‌های واقع بینانه برنامه‌ریزی و ارائه طرح‌های مبتنی خواست‌ها و دیدگاه‌های ساکنان و توانائی‌ها و قابلیت‌های آن است.

بدون شک بیشترین پیچیدگی مسائل شهری و بیشترین تاثیرگذاری عوامل مختلف در بخش مرکزی شهر وجود دارد و هر گونه طرح و برنامه‌ای برای مرکز شهر کل فضای شهری و عملکردهای آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد و این اهمیت موضوع را به وضوح آشکار می‌کند.

### ● نتیجه گیری

بخش مرکزی شهر پهنه‌ای چندکارکردی (تاریخی، اقتصادی، اجتماعی، ترافیکی، اداری-سیاسی و کالبدی-فضایی) است که عمده عملکردهای مهم و برتر شهری را در خود جای داده است و از این نظر نسبت به سایر قسمت‌های شهر نقش مهم‌تر و بیشتری را در عرصه کارکردی شهر ایفا می‌کند. استقرار مجموعه فعالیت‌های مهم و برتر هر شهر در بخش مرکزی آن دامنه عملکردی این محدوده را گسترش داده و باعث

### پانوشتها

این مقاله برگرفته از بخشی از مباحث تئوریک پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده می‌باشد که به راهنمایی دکتر غلامرضا کاظمیان و با عنوان «عوامل و متغیرهای موثر در تبیین بخش مرکزی شهرهای میانی (مورد مطالعه: شهر بوکان)» در دانشگاه تربیت مدرس در خرداد ۱۳۸۶ از آن دفاع شده است.

### منابع

- پاپلی‌یزدی، محمد حسین، رجبی سناجردی، حسین، نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
- سعیدنیا، احمد، نظام مراکز شهری و فضاهای مسکونی، کتاب سبز راهنمای شهرداری‌ها، جلد چهارم، تهران، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۲.
- سعیدی رضوانی، نوید، «قلب شهر، شناخت و دخالت»، ماهنامه شهرداریها، شماره ۳۴، ۱۳۸۰.
- شکوئی، حسین، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
- شیعه، اسماعیل، مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری، تهران، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۱.
- کاظمیان غلامرضا، «مرکز شهر، حفاظت، انتقال و پالایش»، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۳۴، ۱۳۸۰.
- فکوهی، ناصر، انسان‌شناسی شهری، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳.
- مامفورد، لوئیس، فرهنگ شهرها، ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۵.
- Razzu Giovanni "Urban redevelopment and redistribution: the case of Old Accra and Adawso House" *Habitat International* 29 2005.
- Wong Tai-chee "the changing role of the central business district in the digital era: the future of Singapore s new financial district" *Land use policy* 2004 27.